

ایران رتبه دوم «فرونشت» جهان شد!



نتایج یک تحقیق جدید نشان می‌دهد که «ایران» دومین کشور دنیا از نظر نرخ و سومین کشور از نظر مساحت فرونشست در جهان است! به گزارش تسنیم، به تازگی محققین دانشگاه کلدو در همکاری با دانشگاه تکنولوژی هامبورگ، تحقیقی درباره این پدیده در سراسر جهان انجام داده‌اند؛ بر اساس این مطالعات، پنج کشور نخست از نظر بیشترین میانگین فرونشست، به ترتیب شامل فیلیپین، ایران، کانستاریکا، اندونزی، ازبکستان و همچنین پنج کشور نخست از نظر وسعت مناطق تحت تأثیر فرونشست، شامل چین، اندونزی، ایران، هند و پاکستان هستند. از نظر جمعیت نیز هند، چین، اندونزی، پاکستان و بنگلادش بیشترین جمعیت در خطر فرونشست زمین را دارند.

احداث ۶۸ درصد از شهرهای ایران در حریم گسل‌های فعال



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده است که حدود ۶۸ درصد از شهرهای ایران در حریم گسل‌های فعال احداث شده است. بر اساس این گزارش، از مجموع تمامی شهرهای ایران، نقشه حریم گسل‌ها برای ۶۸ کشور تهیه شده و از وضعیت دیگر شهرهای کشور اطلاعی در دست نیست.

دبیر انجمن اسلامی دانشگاه خواجه نصیر دو ترم تعلیق شد

کانال اطلاع‌رسانی انجمن اسلامی دانشگاه خواجه نصیر، نوشت که سپهر رانی، دبیر کل این انجمن و دانشجوی ارشد مهندسی هواضا، با حکم کمیته مرکزی وزارت علوم، به دو ترم محرومیت از تحصیل محکوم شد. بر اساس این گزارش، رانی به دلیل اعتراض به رفتار «غیر قانونی» نیروهای حراست، به اتهام اخلاص و ایجاد مزاحمت برای امور دانشگاه به کمیته انضباطی احضار و محکوم شد.

تقویت مناسبات حوزه سلامت ایران و قطر



در دیدار وزرای بهداشت ایران و قطر، تقویت مناسبات حوزه سلامت دو کشور مورد تأکید طرفین قرار گرفت. به گزارش ایلنا، بهرام‌عین‌اللهی در دیدار با دکتر «حنان الکواری» وزیر بهداشت قطر که در حاشیه همایش بین‌المللی کیفیت و ایمنی در مراقبت‌های بهداشتی و درمان در دوحه برگزار شد، با اشاره به لزوم همکاری‌های منطقه‌ای برای مقابله با بیماری‌ها، اظهار کرد: می‌توانیم به کمک بسیاری از کشورهای منطقه در زمینه‌های همکاری‌های واکسیناسیون و ارتباط دانشمندان دو کشور در زمینه کارهای پژوهشی، عملیاتی و میدانی توسعه‌یافته حنان الکواری، وزیر بهداشت قطر نیز در این دیدار با آمادگی این کشور برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و مشترک با ایران در حوزه سلامت خبر داد و گفت: تبادل استادان علوم پزشکی بین دو کشور به نفع سلامت‌همگانی و دانش پزشکی می‌انجامد.

در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد: غربالگری سه سرطان شایع در کشور



معاون بهداشت وزارت بهداشت، در مان و آموزش پزشکی، گفت: غربالگری سرطان‌های شایع برای جمعیت بالای ۴۰ سال در قالب نظام شبکه کشور در حال انجام است. «حسین فرشیدی» در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا خاطر نشان کرد: در حال حاضر به صورت روتین غربالگری سرطان سینه، سرطان کولورکتال یا سرطان روده و سرطان سرویکس یا سرطان دهانه رحم در نظام شبکه کشور در حال انجام است.

جدیدترین پیش‌بینی هواشناسی: باران و برف در تهران شدید می‌شود

اداره کل هواشناسی استان تهران از تداوم بارش باران و برف در تهران، یخبندان سطح زمین و تداوم هوای سرد تا پایان هفته خبر داد. بر این اساس، تا روز چهارشنبه (۹ اسفند) آسمانی نیمه‌بری تا باری و بعضی ساعات وزش بارش پدید می‌آید. باران و برف همچنین احتمال رگبار و عود برف و در نواحی مستعد بارش تگرگ، گاهی مه و محدودیت دید، در ارتفاعات با کولاک برف و احتمال ریزش برف بهمن پیش‌بینی می‌شود.

ابراهیم فاطمی

در میانه سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸، وضعیت دلار اوج گرفته بود و هر روزی که از خواب بلند می‌شدیم، عددی جدید و وضعیت جدید را می‌دیدیم. یکی از دوستان در چنین روزهایی، تصمیم گرفت که به یکی از کشورهای فقفاز برود؛ گرجستان. او که یکی از کارآفرینان ایرانی بود، در حوزه‌های کاری می‌کرد که به اصطلاح دانش‌بنیان دانسته می‌شود. او وقتی که می‌خواست به این کشور برود، شروع به انجام مذاکراتی کرد. در صدی که طرف گرجستانی می‌خواست دریافت کند خیلی نامتعارف بود و مورد اعتراض دوست‌مان واقع شد. واکنش طرف گرجستانی چه باشد خوب است؟ او گفت: «می‌توانی خودت و تیمت و این خط تولید و دانشی که پشت آن هست و به این جا آورده‌ای را با خودت ببری به کشورت؛ ما می‌دانیم دلار و اقتصاد چه اوضاعی آن جادارد و شما چاره‌ای ندارید جز پذیرفتن در صد و شرط ما.»

چه وضعی داریم؟

این البته یک حکایت انفرادی نیست؛ ظاهراً وضعی است که برای خیلی از ایرانیان پیش آمده. بعد از مهاجرات نخبگان به صورت انفرادی، بعدها اعلام شد که حتی استارت‌آپ‌های ایرانی هم در حال مهاجرت هستند، چرا که زیرساخت‌ها و زمینه‌های فعالیت محدود شده است. حالا کار به مهاجرت پرستارها و حتی کارگران ساده هم کشیده شده است. اگر میان حقوق کارگران ایرانی با کارگران حتی کشوری مثل عراق، یک مقایسه ساده داشته باشید، متوجه می‌شوید که وضعیت به چه منوال است. واقعا چه اتفاقی دارد برای ما می‌افتد و چرا این وضع اصلاح نمی‌شود و چرا اصلاح نمی‌شویم؟

خبری که داغ‌مان را تازه تر کرد

تازه‌ترین خبری که وزارت گردشگری و فرهنگ ترکیه اعلام کرده، باز هم داغ دل ما را تازه کرده است. آمار آن‌ها می‌گوید که دو میلیون گردشگر خارجی فقط در ماه نخست سال جدید میلادی از این کشور بازدید کرده‌اند. بد نیست بدانید که رتبه اول این گردشگران خارجی را، روس‌ها با ۲۳۱ هزار نفر تشکیل داده‌اند. رتبه دوم هم از آن ایرانی‌هاست؛ ۲۱۱ هزار نفر. نسبت به ژانویه قبل هم این آمار نزدیک ۸۷ درصد نشان می‌دهد. در سال گذشته میلادی، نزدیک به ۴۹ میلیون گردشگر خارجی از ترکیه دیدن کردند. ضمن این که موسسه آمار ترکیه هم گفته در آمار گردشگری ترکیه در سال گذشته میلادی، ۵۴٫۳ میلیارد دلار بوده است؛ یعنی ۱۷ درصد افزایش نسبت به سال قبل تر خود و بیش از کل درآمد نفتی ایران در سال ۲۰۲۳. هدف‌گذاری ترک‌ها برای سال میلادی جاری، ۶۰ میلیون بازدیدکننده و ۶۰ میلیارد دلار درآمد است.

مثال قطر

اجازه بدهید یک نمونه دیگر را هم مرور

درآمد گردشگری ترکیه در ۲۰۲۳ از کل درآمد نفتی ایران بیشتر بود  
حسرت پیشرفت آنها و عقبگرد ما!



کنیم. می‌دانستید قطر تا به حال از میدان مشترک گازی با ایران، ۱۵۰۰ میلیارد دلار درآمد داشته؟ ما چقدر؟ نزدیک ۳۰۰ میلیارد دلار. قطر به گفته رسانه‌های داخلی، توسعه میدان گنبد شمالی خود را از سال ۱۹۹۱ شروع کرده و ایران توسعه پارس جنوبی را از سال ۲۰۰۱ کلید زده. همین ۱۰ سال تأخیر، باعث شد قطری‌ها ۶۰ میلیارد دلار درآمد به جیب بزنند و ما هیچ، ما تماشا. جالب این که نیاز داخلی و صادراتی گاز قطر با همین گنبد شمالی تأمین است و گفته می‌شود ایران، دارنده رتبه دوم ذخیره گاز جهان، تنها ۲ درصد از صادرات گاز جهانی را در اختیار دارد!

وزارت گردشگری ترکیه اعلام کرده که بار شد ۸۷ درصدی نسبت به ژانویه گذشته، دو میلیون گردشگر خارجی فقط در ماه نخست سال جدید میلادی از این کشور بازدید کرده‌اند.

بر اساس اعلام موسسه آمار ترکیه درآمد گردشگری این کشور در سال گذشته میلادی، ۵۴٫۳ میلیارد دلار بوده است؛ یعنی ۱۷ درصد افزایش نسبت به سال قبل تر خود و بیش از کل درآمد نفتی ایران در سال ۲۰۲۳

ما چه می‌کنیم؟

این‌ها تنها دو نمونه از اتفاقات تلخ و مقایسه آن با وضعیت ماست؛ حالا باقی موارد بماند. آن وقت ما چه می‌کنیم؟ به گفته رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی، روزانه بر اساس ارزش حرارتی، نزدیک ۷ میلیون بشکه انرژی مصرف می‌کنیم؛ حالا شده‌ایم چهارمین این مقدمات را گفتیم تا به یکی از بهانه‌های خبری این روزها برسیم؛ حرف‌هایی که مسعود نیلی، اقتصاددان و استاد شناخته شده ایرانی در جشنواره امین‌الضرب زد و حسابی باز تاب یافت. سخنانی که خلاصه‌اش همین بود: هست و خواهد بود: «مادر مهربان‌مان، ایران، دارد می‌میرد.» و دقیقاً در این سخنان نیز، مقایسه ایران صورت گرفته بود با قطر، امارات و ترکیه؛ که اگر ما به اندازه نصف این صادرات گاز و ورود گردشگر و هاب منطقه‌ای در بخش مالی شدن داشتیم، وضعیت آسیب‌های اجتماعی و فقرمان چنین نبود و خبری از زباله‌گردی و خودکشی به خاطر فقر و ... نمی‌شنیدیم. این اقتصاددان برجسته واقعا

چرا چنین شدیم؟

این مقدمات را گفتیم تا به یکی از بهانه‌های خبری این روزها برسیم؛ حرف‌هایی که مسعود نیلی، اقتصاددان و استاد شناخته شده ایرانی در جشنواره امین‌الضرب زد و حسابی باز تاب یافت. سخنانی که خلاصه‌اش همین بود: هست و خواهد بود: «مادر مهربان‌مان، ایران، دارد می‌میرد.» و دقیقاً در این سخنان نیز، مقایسه ایران صورت گرفته بود با قطر، امارات و ترکیه؛ که اگر ما به اندازه نصف این صادرات گاز و ورود گردشگر و هاب منطقه‌ای در بخش مالی شدن داشتیم، وضعیت آسیب‌های اجتماعی و فقرمان چنین نبود و خبری از زباله‌گردی و خودکشی به خاطر فقر و ... نمی‌شنیدیم. این اقتصاددان برجسته واقعا

سؤال دقیقی پرسید که کشوری به ثروتمندی ایران، چطور ممکن است اینقدر فقیر باشد؟ بله، کمبودهای اقتصادی در نهایت، اجتماع ما را به هم خواهد ریخت. اجتماعی که مردمانش به قول مهدی غضنفری، رئیس صندوق توسعه ملی، در آینده عملاً همسایه‌ها و استعمار خواهند شد، ملتی بی‌عزت نفس خواهد بود.

وقتی با توسعه مخالفیم

و اما در این وضعیت ما چه می‌کنیم؟ چهره‌های شناخته شده حکومتی، عملاً کمر به قتل تفکر توسعه در ایران بسته‌اند. چرا؟ آن را مخالف با ایده‌های مذهبی خود می‌دانند؛ در حالی که فراموش کرده‌اند توسعه عملاً به معنای غربی آن مطرح نیست و حتی به گفته دکتر تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس شناخته شده ایرانی در کتاب جامعه‌شناسی توسعه خود، ایده توسعه بدون توسعه اقتصادی هم مطرح است؛ مثلاً توسعه سیاسی و فرهنگی و ... اخیراً در کشاکش انتخابات مجلس، سخنان محمد مهدی میرباقری، روحانی شناخته

چرا خوش نباشند؟

چند ماه پیش فرصتی دست داد تا سفری به وان ترکیه داشته باشیم. شب‌ها، مردم این شهر کوچک در پارک و خیابان دور هم جمع می‌شدند و بازی و تفریح می‌کردند. گردشگران ایرانی هم غالباً با تعجب به این صحنه‌ها و سرخوشی‌های این مردمان نگاه می‌کردند. دو کارگر که از اقلیم کردستان عراق آمده بودند، رو به ما کردند و با زبانی که می‌فهمیدیم، گفتند: «این‌ها چرا اینقدر خوش‌اند؟ چرا ما این‌جوری نیستیم؟» جواب اما، شاید در همین نکته‌هایی باشد که امثال مسعود نیلی گفته‌اند. واقعا چرا نباید خوش باشند؟ کشوری که دومین و چهارمین دارنده ذخایر نفت و گاز نیست، ولی در مسیر توسعه پیش می‌رود و مردمانش نیز، خوشی این پیشرفت را در زندگی اجتماعی‌شان درک و احساس آرامش و رضایت می‌کنند.

خوبی‌ها مهاجرت‌ها را رادال بر جاذبه مقصد می‌دانند.

در حالی که ثروت و قدرت ثروت‌آفرینی و فراهم آوردن بسترهای آن و ثبات داشتن در این رویه، اسلحه ما برای ورود و تقابل با قدرت‌های فراداست، ما مغان نان داریم و در تقلا می‌باشیم روزگار می‌گذرانیم. نتیجه این همه چه خواهد بود؟ حسرت و حسرت و حسرت! تو مرگ تدریجی ایران، مادر مهربان‌مان...

شده، خبر ساز شده است که گفته توسعه، البته به مفهوم غربی آن، ضد انتظار و نگاه دینی و اسلامی است.

هنوز در بدیهیات مانده‌ایم

حقیقت این است که حاکمیت ایران، هنوز نتوانسته تکلیف خود را با توسعه روشن کند. به قول مسعود نیلی، ما هنوز در ابتدائیات و بدیهیات مانده‌ایم؛ بالاخره عدالت اجتماعی یا توسعه اقتصادی؟ در حالی که نه به اولی رسیده‌ایم نه به دومی. بالاخره در جدال همیشگی با جهان باید باشیم یا می‌توانیم به نفع خودمان، با آن‌ها کنار بیاییم؟ این سؤال مطرح است که واقعا ما نسبت به ویتنام، متفترتر و زخم‌خورده‌تر از آمریکا هستیم؟ اما به قول سریع‌القلم، حاکمان ویتنام ترجیح دادند به رفاه کشورمان و مردم‌شان ببنندیشند تا زخم‌ها و نفرت‌های کهنه. آیا ما دشمن‌تر از چین، نسبت به آمریکا هستیم؟ چین و آمریکا امروزه چنان اقتصادشان را در هم تنیده‌اند که بعید است تا مدت‌ها بخواهند تقابلی داشته باشند، واقعا تکلیف ما چیست؟

فرار از دافعه مبدأ

خیلی‌ها مهاجرت‌ها را رادال بر جاذبه مقصد می‌دانند. در حالی که شاید پاسخ آن نخیه جوان به این سؤال، که اخیراً خیلی دیده شد، کار گشا باشد: گاهی مهاجرت به دلیل جاذبه مقصد نیست، به دلیل دافعه مبدأ است. امروزه ما در کشورمان دافعه‌ای می‌بینیم که بدنه عمومی جامعه را از امیدواری و کار کردن و ثبات رویه و ... دور می‌کند. مردم از خود می‌پرسند چرا باید کار کنند و امیدوار باشند؟ وقتی که طریق رشد در کشورمان، به گونه‌ای دیگر سامان یافته و شما اساساً باید نزدیک به ساختار قدرت باشید تا بتوانید حرکت کنید.

از سوی دیگر، در حالی که ثروت و قدرت ثروت‌آفرینی و فراهم آوردن بسترهای آن و ثبات داشتن در این رویه، اسلحه ما برای ورود و تقابل با قدرت‌های فراداست، ما دال خودشم که چیزی برای خوردن داریم و کاری برای انجام دادن و ...؛ غم‌ناک داریم و در تقلا می‌باشیم روزگار می‌گذرانیم. نتیجه این همه چه خواهد بود؟ حسرت و حسرت و حسرت! تو مرگ تدریجی ایران، مادر مهربان‌مان...

چرا خوش نباشند؟

چند ماه پیش فرصتی دست داد تا سفری به وان ترکیه داشته باشیم. شب‌ها، مردم این شهر کوچک در پارک و خیابان دور هم جمع می‌شدند و بازی و تفریح می‌کردند. گردشگران ایرانی هم غالباً با تعجب به این صحنه‌ها و سرخوشی‌های این مردمان نگاه می‌کردند. دو کارگر که از اقلیم کردستان عراق آمده بودند، رو به ما کردند و با زبانی که می‌فهمیدیم، گفتند: «این‌ها چرا اینقدر خوش‌اند؟ چرا ما این‌جوری نیستیم؟» جواب اما، شاید در همین نکته‌هایی باشد که امثال مسعود نیلی گفته‌اند. واقعا چرا نباید خوش باشند؟ کشوری که دومین و چهارمین دارنده ذخایر نفت و گاز نیست، ولی در مسیر توسعه پیش می‌رود و مردمانش نیز، خوشی این پیشرفت را در زندگی اجتماعی‌شان درک و احساس آرامش و رضایت می‌کنند.



مداوم میان نیروهای داخل دانشگاه و نیروهای بیرون دانشگاه بسیار مهم است. همچنین باید ما به دنبال یادگیری مهارت‌های چندبعدی باشیم تا در صورت حذف بتوانیم به حیات علمی خود ادامه دهیم.

از نظر سلیمانیه این پدیده بعد از انقلاب فرهنگی اول، انقلاب فرهنگی از دوره احمدی‌نژاد شدت بیشتری به خود گرفته و به سمت خالص‌سازی دانشگاه‌ها حرکت می‌کند. او با اشاره به پروسه خالص‌سازی در دانشگاه‌ها می‌گوید: این کار سه مکانیسم دارد: کنترل شدید ورودی‌ها (از بعد از احمدی‌نژاد هیچ استقلال رأی یا عدم تبعیثی تحمل نمی‌شود)، کنترل اعضای هیأت علمی از طریق سیستم ارتقا و تبدیل وضعیت؛ و در نهایت اخراج اساتیدی که با سیستم تفاوت رأی و نظر دارند. سلیمانیه در ادامه گفت: «ما وارد دوره زمستان دانشگاه شدیم. حال باید پرسید آیا حیات علمی در این دوران تمام است؟ خیر. ما باید با مکانیسم‌های مقاومت ادامه دهیم. این مکانیسم‌ها شامل این موارد است: اول باید وضعیت را دقیق بشناسیم که برای آن نیاز به بازگشت به گذشته و شناخت مواردی که با سیستم حذف و طرد مواجه شدند، داریم. باید با این افراد صحبت کنیم و مسائل و تجارب آنها را مستندسازی کنیم. در گام بعد باید در خصوص کسانی که اخیراً حذف شده‌اند مستندسازی کنیم و ببینیم در چه شرایطی هستند. پس از مرحله شناخت مرحله درک معنای این وضعیت است که در آن باید معنای این حذف شدن را برای افراد، گروه‌های سنی و جنسیت‌های مختلف شناسایی کنیم و ببینیم نتایج چیست. در نهایت باید امکان صدا دار شدن افراد حذف شده را فراهم کنیم که در این زمینه انجمن‌های علمی می‌توانند کار ساز باشند.»

سلیمانیه در پایان صحبت‌هایش به پاسخ سؤال چه باید کرد، پرداخت. از نظر او باید با بازسازی جمع‌های غیر رسمی از انزوای افراد حذف شده جلوگیری و همافزایی ایجاد می‌کند. مسأله بعد به رسمیت شناختن مشکلات اقتصادی ناشی از حذف و رفتن به سراغ امکان‌هایی مانند دانشگاه‌های حاشیه‌ای، ناشران، نهادهای غیر دولتی و ... برای حل مسائل اقتصادی این افراد است. ایجاد ارتباط

دانشگاه از دوره احمدی‌نژاد به سمت خالص‌سازی رفت

وارد دوره زمستان دانشگاه شدیم



طی روزهای گذشته انجمن جامعه‌شناسی ایران با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی ایران، ششمین دوره «همایش ملی پژوهش اجتماعی فرهنگی در جامعه ایران» را برگزار کرد. پنل اختتامیه به موضوع «تداوم حیات علمی بیرون از دانشگاه» و در بخش‌هایی به اخراج اساتید از دانشگاه اختصاص داشت. به گزارش خبر آنلاین، مهدی سلیمانیه، جامعه‌شناس، در این نشست به طرح ایده‌های خود در خصوص حیات علمی بیرون از دانشگاه پرداخت. سلیمانیه اول بر این نکته تأکید کرد که کسانی که در حال حاضر در درون دانشگاه فعالیت می‌کنند و کسانی که طرد و حذف شده‌اند و بیرون هستند، در مقابل یکدیگر نیستند بلکه هر دو در مقابل نهاد طردکننده قرار دارند. وی از پدیده عرف ستیزی در سه دهه اخیر در ایران نام برد. به دلیل آن جامعه به سمتی و سیاست‌گذاری‌های رسمی به سمت دیگر می‌روند، از جمله بخشی از این عرف ستیزی معطوف به دانشگاه است که با پدیده‌هایی مانند انقلاب فرهنگی و نهاد گزینش و سیستم جذب به صورت سیستماتیک جلوی ورود افراد را به دانشگاه می‌گیرد یا آنها را از این نهاد حذف می‌کند.